

۲۴ ساعت با مردم زلزله‌زده خراسان

مصائب زلزله‌زدگان

● پس لرزه‌های مدیریت غلط امکانات همچنان زلزله‌زدگان را آزار می‌دهد

● ۳۵۰ پس لرزه در ۷۲ ساعت گذشته منطقه را لرزانده است

شرق: ۷۲ ساعت بعد از زلزله مهیب سرخس که باعث تخریب تا صددرصدی چهار روستا شده است، اهالی این روستاها همچنان در وضعیت اضطراری به‌سر می‌برند. به گزارش شاهد حلاج، خبرنگار اعزامی «شرق» که کمتر از ۲۴ ساعت بعد از حادثه در محل حاضر شده است، بیشترین آسیب به سه روستای کلاته‌مقدم، سفیدسنگ و برج‌موری وارد شده است و مردم همچنان در وحشت و بی‌التکلیفی به سر می‌برند. به گفته اهالی، آنچه دلیل اصلی باین آمدن آمار تلفات بوده، زمان وقوع زلزله و سبک زندگی مردم در این منطقه است. تمام مردم این منطقه دامداری می‌کنند و زمان وقوع زلزله در حال جای گوسفندان خود بوده و از خانه خارج شده بودند.

کلایه‌مردم از امدادرسانی

فاصله مشهد به‌عنوان مرکز استان تا محل حادثه بسیار زیاد است؛ جاده ایمن نیست و امدادگران که خسته از آماده‌باش نوروزی هستند، از نظر مردم دیر به محل حادثه رسیده‌اند. یکی از امدادگران وقتی با اعتراض مردم روستای کلاته‌مقدم مواجه می‌شود، می‌گوید: ما همه تلاش خودمان را کردیم، مردم هم باید قبول کنند وضعیت مناسب نیست؛ زلزله آمده و آنها ترسیده‌اند و هر یک دقیقه یک ساعت برایشان می‌گذرد؛ من می‌دانم که به آنها سخت گذشته است.

فرازی، یکی از اعضای تیم واکنش سریع هلال احمر که در اولین شب بعد از زلزله هنوز همراه اعضای تیمش در کنار دیگر امدادگران در مناطق زلزله‌زده حضور داشت در ایسن مورد گفت: بعضی از ما بلافاصله بعد از زلزله راهی مناطق زلزله‌زده شدیم، تیم ما الان ۴۸ ساعت است که بی وقفه در حال آماده باش و کار هستیم، ما تا قبل از این اتفاق در آماده‌باش نوروزی بودیم و در عملیات‌های جاده‌ای حضور داشتیم و الان هم که این اتفاق افتاده تا مدتی به عنوان تیم پشتیبانی در ستاد بودیم و بعد که وضع سر و سامان گرفته به مناطق زلزله اعزام شدیم.

یکی از اهالی روستای کلاته‌مقدم می‌گوید: این خانه‌ها را تماشا کنید؛ صددرصد تخریب شده‌اند، این را من نمی‌گویم فرماندار می‌گوید: انصافا مرد خوبی است. من هنوز حاج‌وواج زلزله بودم که فرماندار خودش را به اینجا رساند، شماره تلفن همراهش را داد و گفت تا یک ساعت دیگر امکانات می‌رسد؛ اگر نرسید با خودم تماس بگیرید؛

یکی از اهالی روستای کلاته‌مقدم؛ روستایی که آسیب شدیدی از زلزله دیده است، می‌گوید: ما صبح زود از خانه خارج می‌شویم؛ زن و مرد هم ندارد؛ همه اهالی روستا کار می‌کنند و تقریبا در آن زمان خارج از خانه هستند. بعدازظهر که می‌شود، مردم به خانه برمی‌گردند تا غذایی بخورند و دوباره سر کار می‌روند. زلزله ساعت ده‌ونیم صبح آمد و مردم همگی بیرون بودند البته ما بره‌ها را برای چرا نمی‌بریم و در آغل می‌مانند عده‌ای هم گوسفندانشان را برای دوشیدن بازگردانده بودند، اما خودمان در خانه نبودیم. من هم در حال چرای گوسفندان بودم که احساس کردم زمین را از زیر پایم کشیدند، آن‌قدر سریع اتفاق افتاد که اصلا نفهمیدم باید چه کنم. کمی از روستا دورتر بودم و داشتم روستا را تماشا می‌کردم؛ شاید باورتان نشود انگار بمبی در روستا انداخته باشند؛ خاک بلند شد و روستا خوابید (تخریب شد) فقط گرد و خاک بود که از دور دیده می‌شد، گوسفندان ریمیدند و هر کدام به طرفی می‌رفتند، من خودم هم نمی‌توانستم روی زمین بایستم؛ بلافاصله خودم را به روستا رساندم اصلا معلوم نبود کجا خانه کیست؛ همه جا ویران شده بود.

اودریاره اینکه چرا خانه‌ها در این حد ویران شده است، گفت: خانه‌های کاغذکی است و هیچ استحکامی ندارد. بعضی از خانه‌ها فقط درهایشان از آهن است و همه از چوب و گل ساخته شده است. به‌همین‌دلیل هم استحکام چندانی ندارد و خانه‌های بسیار ضعیفی هستند.

محمود یکی دیگر از اهالی روستا می‌گوید: تقریبا نزدیک درِ خانه بودم؛ به محض اینکه صدای مهیب شنیده شد، دست دو بچهارم را گرفتم و خودمان را به بیرون از خانه پرت کردیم. زندگی‌مان به ثانیه‌ای بند بود، کمی زخمی شدیم، چیز مهمی نیست؛ همین که زنده هستیم خدا را شکر می‌کنیم.

چند بره محمود که در آغل بوده‌اند، جانیشان را از دست داده‌اند؛ او می‌گوید: بره‌ها ضعیف هستند ما آنها را زیاد در صحرا نگهداری نمی‌کنیم و زود به خانه برمی‌گردانیم به‌همین‌دلیل هم بره‌ها در زلزله مردند.

او از خشم طبیعت در چند سال اخیر می‌گوید: ۱۰ سال بود که از خشک‌سالی زندگی‌مان بد شده بود، قیلا کشاورزی می‌کردم و سال‌ها بود که آبی نبود و نمی‌شد کشاورزی کرد؛ داروندارم را جمع کردم و دام خریدم. چند گوسفندی که داشتم همه سرمایه من بودند که نیمی از آنها از بین رفت.

وضعیت در روستای سفیدسنگ که نزدیک‌ترین روستا به کانون زلزله است، هم همین‌طور است؛ روستا به طور کامل تخریب شده است. موقعیت جغرافیایی تنها چیزی است که می‌توان از روی آن تشخیص داد هر خانه متعلق به چه کسی بوده است. اهالی این روستا هم تخریب خانه‌هایشان را به افتادن یک بمب روی روستا تشبیه می‌کنند. اضطراب شدیدی در میان آنهاست و مردم خیلی ناامید هستند. برخی از آنها سعی می‌کنند به خانه‌ها نزدیک شوند و پول یا شیء قیمتی که دارند را از زیر آوار بیرون بکشند اما پس‌لرزه‌های نسبتا شدیدی که وجود دارد اجازه نمی‌دهد آنها به این مخروبه‌ها نزدیک شوند و با هر پس‌لرزه‌ای عقب می‌کشند.

یکی از اهالی روستا که خودش را به زور از زیر آوار بیرون کشیده و مردی کهنسال است، می‌گوید: من در خانه بودم که اصلا نفهمیدم چه شد، تا به خودم بجنبم و از خانه بیرون بیایم، آوار روی سرم ریخت. خودم فکر می‌کنم چندین ساعت آن زیر بودم اما اهالی می‌گویند به چند دقیقه نکشید که بیرون آمدم؛ البته خودم، خودم را نجات دادم؛ خاک‌ها را کنار زدم، شیشه پنجره را شکستم و بیرون آمدم؛ انگار زنده‌به‌گور شده بودم، نفسم تنگ شده بود. هنوز خم خوب نمی‌توانم نفس بکشم و حالم اصلا خوب نیست.

در روستای برج‌موری هم مردم وضعیت مشابهی دارند؛ کودکی که روی گاری تراکتور نشسته و شب را تا صبح در سرما گذرانده است؛ هنوز شوکه و وحشت‌زده است. او جواب سؤال‌ها را با اشاره سر می‌دهد و تمایلی به حرف‌زدن ندارد. وقتی از او می‌پرسم موقع زلزله کجا بودی، فقط نگاه می‌کند و فقط جواب یک سؤال را با صدایش می‌دهد.

❧ **خوتنون چی شد؟**

خراب شد، ترکید.

او روی گاری پدرش نشسته و شب را روی همان گاری صبح کرده است.

حوادث

شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۶ ۱۳



نبوده اما اهالی هرچه داشتند از دست دادند و ما می‌دانیم که تا مدت‌ها باید از آنها مراقبت کنیم تا کم‌کم به زندگی عادی برگردند و خانه بسازند. اما اهالی همچنان گله‌مند هستند؛ یکی از آنها می‌گوید: زمانی که اشرار حمله می‌کردند، از ما کمک خواستند که با اشرار بجنگیم و آنها را دور کنیم که خدا را شکر توانستیم؛ حالا هم ما دچار یک بلای طبیعی شدیم و کمک لازم داریم؛ چرا به ما کمک نمی‌کنند؛ چرا یک دکتر اینجا نیست که به وضعیت ما رسیدگی کند.

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که مردم زلزله‌زده با آن مواجه هستند، نبود سرویس‌های بهداشتی و حمام است؛ تقریبا در هیچ‌کدام از روستاها دستشویی صحرایی وجود ندارد و اهالی از اطراف منطقه برای دفع استفاده می‌کنند. وقتی امدادگران دراین‌باره مورد اعتراض قرار می‌گیرند، به مردم می‌گویند برای تأمین دستشویی صحرایی باید خودشان دست به کار بشوند. چند امدادگر به مردم یاد می‌دهند چاله‌هایی تا عمق دوونیم متر حفر کرده و دو تخته در اطراف چاله بگذارند و چادری هم اطراف چاله بریا و از آن به‌عنوان دستشویی استفاده کنند.

یکی از امدادگران در این مورد می‌گوید: توالت و حمام صحرایی نه تنها در اختیار هلال احمر مشهد و خراسان وجود ندارد بلکه در کل کشور هیچ مرکز هلال احمری این امکانات را ندارد. من با مسئولان استان صحبت خواهم کرد تا اگر دیگر ارگان‌هایی که در منطقه حضور دارند و این امکانات را در اختیار داشته‌ند به زلزله‌زدگان برسد، در حال حاضر هم بهترین راه برای اهالی این است که همانطور که به آنها آموزش دادیم فعلا نیاز خود را برآورده کنند.

یکی از اهالی روستای سفیدسنگ می‌گوید: این وضعیت مردم را بیمار خواهد کرد چراکه آب نیست و نمی‌توانند نظافت کنند. او می‌گوید: به محض اینکه زلزله شد، پاسگاه و بعد هم نیروهای امداد آمدند، ما اینجا تلفن درست و حسابی نداریم، تلویزیون آنتن ندارد، ما مشکلات زیادی قبل از این زلزله هم داشتیم که اصلا به آن توجهی نمی‌شد اما به محض اینکه زلزله شد و آمدند بدون اینکه از ما پرسند چه نیاز دارید، گفتند چرا دیش ماهواره دارید، ما اینجا باید چه کار کنیم، ما که تلویزیون ایران را نگاه می‌کنیم، اصلا شما جهت دیش را نگاه کنید ببینید به کدام طرف است، حالا ما آب و غذا نداریم؛ به ما می‌گویند چرا دیش ماهواره دارید؟ شما به ما بگویید باید چه کار کنیم؟

پس‌لرزه‌ها همچنان منطقه را در آشفتنگی قرار داده است. در روستای درخت بید که مسئولان گفته‌اند تخریب چندانی نداشته است هم مردم به بیرون از خانه‌ها کشانده شده‌اند. یکی از اعضای شورای روستا می‌گوید: چند نفر از مسئولان بنیاد مسکن آمدند، از بیرون روستا را نگاه کردند و گفتند خیلی تخریب نشده است؛ می‌توانید در داخل خانه‌هایتان زندگی کنید؛ آنها فقط نما را نگاه کردند درحالی‌که داخل خانه‌ها که نوساز هم هستند، تخریب شده و دیوارها ساعت به ساعت فرو می‌ریزد، پس‌لرزه‌ها خانه‌ها را از پای درآورده است. به محض اینکه مسئولان رفتند چند پس‌لرزه آمد و در هر پس‌لرزه یک خانه کامل خراب شد، خب با این وضعیت من چطور باید داخل خانه بروم و زندگی کنم؟ امنیت نداریم؛ چطور در خانه‌ها بمانیم؟ حتی می‌گفتند به شما چادر تعلق نمی‌گیرد؛ می‌توانید در خانه بمانید و ما شب را در سرما گذرانیم بدون اینکه چادر داشته باشیم. خودمان آتش روشن کردیم و دور آتش خوابیدیم.

اوضاع در شهر مشهد هم ناآرام است؛ این شهر از محل زلزله ۹۰ کیلومتر فاصله دارد، بااین‌حال مردم وحشت‌زده هستند و بسیاری از آنها اولین شب پس از زلزله را در فضای باز صبح کردند. هرچند خسارت چندانی به ساختمان‌ها وارد نشده است اما آنها هم از وحشت

این پس‌لرزه‌ها در امان نیستند. چون پس‌لرزه‌ها همچنان ادامه داشت و نیمه‌شب چهارشنبه نیز یک پس‌لرزه شدید بود که باعث وحشت مردم شد.یکی از امدادگران هلال‌احمر می‌گوید: ما همه امکانات استان را بسیج کردیم که به این چهار روستا برسیم؛ خوشبختانه در شهر اتفاقی نیفتاده است وگرنه وضعیت خیلی بد می‌شد، حتی استان‌های معین هم مشخص شده‌اند تا اگر کمکی لازم شد، بلافاصله خبر بدهیم اما به‌عنوان یک امدادگر می‌گویم وقتی رسیدگی به چهار روستای زلزله‌زده آن‌قدر با تاخیر و ناهماهنگی انجام می‌شود، اگر در شهر مشهد چنین اتفاقی می‌افتاد، چه می‌کردیم؛ متأسفانه هیچ مدیریتی وجود ندارد و مردم آسیب خواهند دید.

برای خدایان حرم است، برایمان غذا آوردند اما این غذا هم دو نیمه‌شب رسید و به همه هم نرسید.

چادرهای هلال احمر کم‌می‌شود

در روستای سفیدسنگ هم مشکل چادرهای امداد وجود دارد. مردم می‌گویند به ازای هر ۱۲ نفر یک چادر می‌دهند و چادرها به اندازه همه نیست، یکی از آنها می‌گوید: مأموران هلال احمر می‌گویند به شما ۴۸ چادر دادیم اما اینجا ۳۸چادر نصب است، من نمی‌دانم چه شده است؛ مردم زیر آواره مانده‌اند و چادر ندارند بعد هم می‌گویند برای هر چادری که می‌دهیم، باید کارت ملی بدهید؛ خب من چطور از زیر آوار کارت ملی در بیاورم؛ آخر آدم خوب، اگر من می‌توانستم زیر آوار بروم و کارت ملی بیاورم که اصلا به چادر تو احتیاج نداشتم. ۲۴ ساعت است که دهانم خشک شده؛ ما حتی آب آشامیدنی نداریم که بخوریم، غذا نداریم، توالت نداریم و... حالا کارت ملی از کجا بیاوریم.

هلال‌احمری‌ها هم دلایل خودشان را دارند؛ یکی از مسئولان می‌گوید: ما به مسئولان روستا چادر تحویل دادیم اما حالا می‌گویند آن تعدادی که شما گفتید نبوده است و ما چادر نداریم؛ متأسفانه ما تجربه‌های تلخی در این خصوص داریم یکهو می‌بینید این چادرها سر از بازار سیاه مشهد در می‌آورد و با قیمت‌های کلان تا ۵۰۰ هزار تومان هم می‌فروشند. عده‌ای خدانشناس چادرهای مردم زلزله‌زده را کش می‌روند و در بازار می‌فروشند، ما مجبوریم سخت بگیریم تا از حق این مردم دفاع کنیم.

وضعیت اضطراری است؛ خدا را شکر تلفات بالا

آنها به ما یاد داده که چه کار کنیم. ما چند نفر بیشتر نیستیم که یاد گرفتیم چادرها را نصب کنیم و باید برای همه مردم چادر بزنیم، تا این کار را بکنیم صبح شد. مردم شب را در سرما گذراندند و بچه‌ها و زن‌ها سرما خورده‌اند. در این مدت یک دکتر هم نیامده که ما را معاینه کند البته آمبولانس آمده اما دکتر و بهیار نداشتند؛ فقط دنبال زخمی می‌گشتند. ما اینجا مریض فشارخونی داریم که داروهایش زیر آوار است؛ یکی باید به این افراد رسیدگی کند. شب هم که مردم در سرما ماندند همه گلودرد گرفته و مریض شده‌اند. آب و غذای گرم هم نیست که بخورند و بدنشان انرژی بگیرد.

او می‌گوید: برایمان غذای حضرتی آوردند، خدایان امداد می‌گویند؛ خودتان باید این کار را بکنید. البته یکی از

سفر وزیر بهداشت به مناطق زلزله‌زده

شکر از روند امدادرسانی، خواستار اعطای تسهیلات و تسریع در روند بازسازی منطقه زلزله‌زده شدند. وزیر بهداشت پس از استماع مشکلات و درخواست‌ها، در جلسه‌ای که با حضور استاندار خراسان رضوی و رئیس جمعیت هلال احمر کشور و نمایندگان دستگاه‌های ذی ربط، از جمله بنیاد مسکن و وزارت راه و... در منطقه برگزار شد، به بررسی این مسائل و تصمیم‌گیری درباره آن پرداخت.

ایسنا: وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به نمایندگی از رئیس‌جمهوری از مناطق زلزله‌زده استان خراسان‌رضوی از نزدیک بازدید کرد. سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وارد روستای دوقلعه‌راشک از توابع شهرستان فریمان شد و با حضور در میان مردم در جریان روند امدادرسانی‌ها قرار گرفت. شماری از هم‌وطنان این منطقه ضمن طرح مشکلات خود و

